

دور از چشم دوربین ها، در کابل و قندهار

نویسنده: ROMAIN MIELCAREK

فرستاده ویژه لوموند دیپلماتیک. روزنامه نگار، نویسنده کتاب «تاجر اسلحه،

تحقیق درباره یک کسب و کار فرانسوی»، نشر تالانديه، پاریس، ۲۰۱۷.

برگردان: شهباز نخعی

طالبان که با کنار زدن حکومت مستقر و آمریکایی ها به قدرت رسیده اند، این کار را با کارزاری برق آسا انجام دادند. غیرنظامیان با آوارگی و تحمل وخامت بیش از پیش اوضاع، بهای جنگ را می پردازند.

از نخستین روزهای ماه اوت، کابل در هرج و مرجی توصیف ناپذیر فرورفته است. در یکی از پارک های «شهر جدید» انبوه آوارگان استان های شمالی دیده می شوند که با پیشروی طالبان به کابل گریخته اند. یک زن جوان، که چشمانش در پس برقع روشنی که مانند دیگران دارد از خشم برق می زند، می گوید: «اگر نمی توانید به ما کمک کنید، پس برای چه اینجا هستید؟». این ضربه ای است که چهره پایتخت را

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

تغییر داده است. تا پیش از رسیدن پناهندگان به ندرت زنی دیده می شد که چیزی جز یک روسری نازک بر سر داشته باشد.

همه، اعم از مرد، زن، پیر و نوجوان در بلبشویی غیرقابل کنترل در پی به دست آوردن قرصی نان، بوریا و حصیری برای زیرانداز یا سرپناهی هستند که بتوانند خانواده خود را در این محله سبز و مرفه نشین سکنا دهند.

دو مرد که نگاهشان به افق دوخته شده، از جمعیت در حال بحث و جدل جدا ایستاده اند. بهادر (۱) اهل کندوز است که در ۱۱ اوت گذشته به دست طالبان افتاده و می گوید: «وضعیت مردم بدتر می شود. هیچ فرد یا سازمانی برای برقراری نظم و انضباط نیست». کسی که در کنارش ایستاده با چشمانی اشک آلود می افزاید: «طالبان همه چیز: بازارها، مغازه ها و خانه ها را می سوزاندند. پسر ۱۰ ساله من کشته شد».

در فاصله ۵۰۰ کیلومتری کابل، قندهار شهری راهبردی در جنوب کشور است. در مرکز «معلول بین المللی» (HI)، رحمت الله که ۱۵ روز پیش در اثر برخورد خمپاره دو پایش را از دست داده می گوید: «ما برای اجتناب از جنگ، در حال فرار از خانه بودیم». این مرد جوان ۲۵ ساله در کشاکش تیراندازی های طالبان و ارتش افغانستان گیر افتاده بود: «من خوشوقتم که سواد کمی دارم. خواهم توانست کار کنم. با پای مصنوعی می توانم حرکت کنم. دیگران جانشان را از دست دادند».

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

غیرنظامیان در هر کجا که بتوانند پناه می گیرند. در محل های مخروبه، افرادی که معمولاً کارهای روزمزد انجام می دادند، چشم براه کمک هستند و در فضایی آکنده از بوی سنگین مدفوع به سر می برند. یکی از مریبان «معلول بین المللی» (HI) تصویری را به کودکان نشان می دهد که در آن دو کودک در خرابه ها پرسه می زنند. او می پرسد: «دست زدن به چیزهای ناشناخته خوب یا بد است؟». کودکان با فریاد می گویند: «بد است!». آنها می دانند که جستجو در خرابه ها می تواند به بهای ازدست دادن جان یا قطع عضویشان تمام شود. نمونه ای از این امر پسر ۱۳ ساله ای است که می کوشد پای مصنوعی پلاستیکی خود را جا بیندازد. اما، برادرش به نظر نمی آید که با طالبان مخالفتی داشته باشد: «هدف آنها کس دیگری بود، یکی از جنگجویانی که متأسفانه فقط چند انگشت خود را ازدست داد».

در ۱۶ اوت گذشته - فردای سقوط کابل- برنارد هانری لوی (BHL) «فیلسوف و نویسنده» با قطعیت در شبکه تلویزیونی BFM مدعی شد که شورشیان «تروریست هایی خوب، اما سربازانی بد هستند. سربازانی سوار بر موتور سیکلت (...)، این یک ارتش هراس انگیز نیست». او افزود: «من چند وقت پیش در محل بودم و شهرهای افغانستان را دیدم. زن ها بی حجاب بودند، روزنامه نگاران خبرها را آزادانه و غالباً درست منتشر می کردند. پس از ۲۰ سال، رایحه آزادی به مشام می رسید. طالبان در حال کسب قدرت نبود و متوقف شده بود». چگونه ممکن است که پس از این همه سال، بتوان این قدر در مورد توانایی راهبردی این شورش اشتباه کرد؟ جنبش طالبان تا حدود ۱۰۰ هزار جنگجو (۲) دارد. استفاده از دوچرخه و موتور به افراد آن امکان داده که بدون آن که در چرخه ترافیک گیر بیفتند، تحرک داشته باشند و بر مشکل حمل و نقل در بسیاری از شهرها فایق آیند. یک هفته پیش از تسخیر قندهار، آنچه در این شهر می گذشت درست خلاف چیزی بود که برنارد هانری لوی (BHL) می گفت. با آن که بسیاری از خانواده های فقط شامل مردان و کودکان، به رغم نزدیک شدن شورشیان، در خیابان ها به سر می بردند، از زنان جز چند زن پوشیده در برقع در اینجا و آنجا، هیچ خبری نبود.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

رسانه های اصلی افغانستان، به رغم آزادی عمل واقعی ای که داشتند، در دام ارقام نادرست دولت افتادند که از «مرگ صدها تن» از شورشیان خبر می داد، در حالی که اینان بی وقفه به پیشروی ادامه می دادند. دروغ هایی که رسانه ها بدون پرس و جو منتشر می کردند.

سربازان بدون مهمات و آذوقه

دولت افغانستان به طور نظام مند تعداد کشتگان و مجروحان خود را مخفی می کرد. یک شب، هنگامی که روزنامه نگاران برای تصویر برداری از ناوگان نیروی هوایی در فرودگاه کابل انتظار می کشیدند، از آنها دعوت شد که به یکی از آشیانه های هواپیماها وارد شوند. در بیرون یکی از پیمانکاران امنیتی غربی چیزی را دید که افسران ترجیح می دادند آن را مخفی کنند: هواپیماهای متعددی که پیکر مجروح یا کشته صدها سرباز را حمل می کردند. در این مورد هیچ رقمی منتشر نشد اما یک منبع نزدیک به حکومت به مجله آمریکایی فارین پالیسی گفت که تعداد تلفات ماهانه ۵ هزار تن بوده است (۳). به خلاف آنچه که کارشناسان در تلویزیون ها گفته اند، بخشی از نظامیان افغانستان نه فقط جنگیده، بلکه آسیب های زیادی نیز متحمل شده اند.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

محمد فیلسوف نیست. او در چندین نهاد ملی و بین المللی کار کرده است. او وضعیت کلی روحی در قندهار را چنین توصیف می کند: «سقوط سریع این همه شهر و ناحیه بر اثر معجزه نبود! مردم از دست جنگبارگان دولتی به ستوه آمده بودند، اگر چه کسی هم نمی داند که طالبان چه خواهد کرد». حتی پیش از آغاز حملات اخیر، طالبان کنترل ۷۵ ناحیه، غالباً روستایی، را در دست و در اکثر نواحی دیگر حضور داشت. جنبش طالبان با آن که حاکمیت نداشت، اما خدماتی خوب و گاه بهتر از قدرت حاکم فرسوده بر اثر فساد ارایه می کرد و قواعد عملی آن با انتظارات بخش عمده ای از مردم مطابقت داشت. مردمی که حقوق زنان برایشان یک اولویت محسوب نمی شود (مقاله چگونگی غلبه طالبان بر غرب را بخوانید).

هنگامی که شورشیان پیشروی می کردند، تعداد کم سربازان، غالباً محصور شده، به سرعت دچار کمبود مهمات و آذوقه می شدند. نیروی تقویتی به ندرت می رسید زیرا کابل توجه خود را بر شهرهای بزرگ متمرکز کرده بود. در این موقع، طالبان نظامیان پیشین دهکده های مجاور و «ریش سفیدان» را برای گفتگو درباره تسلیم نظامیان می فرستاد. تسلیمی که خیلی آسان تحقق می یافت زیرا روحیه سربازان در پائین ترین حد بود. از ۱۸۰ هزار نظامی و ۱۰۰ هزار شبه نظامی نیروهای مسلح افغانستان (۴)، اکثریت بزرگی از آنها سلاح بر زمین گذاشتند. وزارت دفاع افغانستان و سخنگویان آن هم به نوبه خود هر روز اعلام می کردند که صدها تن از طالبان را کشته اند. ارقامی که عجیب و غریب و نادرست بود.

پیش از آن که طالبان به شهرها حمله کند، به قطع ارتباطات پرداخت، محورهای ارتباطی بین شهری را قطع کرده و اکثر پاسگاه های مرزی را تصرف کرد و قدرت حاکم را از یک منبع درآمد محروم نموده و درعین حال کنترل تأمین نیازها، عمدتاً غذایی، را در دست گرفت.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

سرانجام، طالبان با گشودن یک جبهه جدید در شمال، ارتش افغانستان را غافلگیر کرد. در حالی که شدت جنگ‌ها نیروها را در جنوب در حوالی قندهار و هلمند بسیج می‌کرد، جنگجویان طالبان به تسخیر بخش شمالی کشور رو آوردند. آنها با پیشدستی بر بازسازی احتمالی «اتحاد شمال» - گردهمایی مبارزانی که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ جنگیده بودند - هرگونه اراده ضد حمله از جانب استان‌های از نظر تاریخی محروم را از بین بردند.

هنگامی که نیروهای طالبان به کابل نزدیک شدند، نظامیان و پلیس‌ها دیگر نمی‌دانستند چه باید بکنند. روسایشان به آنها چیزی نمی‌گفتند. در آستانه تسلیم پایتخت، یکی از افسران نیروی زمینی از دفتر خود در وزارت دفاع از طریق واتس‌آپ می‌پرسید: «[در دوحه چه می‌گذرد؟ نمایندگان طالبان که با آمریکایی‌ها مذاکره کرده‌اند کجا هستند؟]». در ۱۵ اوت، در دروازه‌های کابل، طالبان ابتدا گفت که نیروهایش به شهر وارد نخواهند شد. بعد، وقتی متوجه شد که کسی در برابرش نیست و اشرف غنی رئیس‌جمهوری فرار کرده، کنترل شهر را در دست گرفت.

نخبگان سیاسی افغانستان چگونه در این نبرد از پیش باخته درگیر شدند؟ بسیاری آقای اشرف غنی رئیس‌جمهوری را مسئول می‌دانند که به رغم صداهای معترض‌زایدی که خواهان کناره‌گیری او بودند سرسختی کرد. مجلس (۵) دچار ضعف مطلق بود. خانم شینکی‌ذهین کروخیل، نماینده مستقل منتخب از کابل می‌گوید: «هرکسی خودسرانه مداخله می‌کرد. جناح‌های سیاسی وجود نداشت. بنابراین، اعمال حداقل کنترل بر دولت دشوار بود.»

نبرد برای دستیابی به خرده ریزه های قدرت

بیشتر روسای تاریخی جنگ هم به نوبه خود به دفاع از منافع خود و جوامعشان ادامه دادند. مجاهدین مشهور مبارزه علیه اتحاد شوروی در سال های دهه ۱۹۸۰، سر فرود آوردند. در هرات، اسماعیل خان ۷۵ ساله سرانجام تسلیم شد. عبدالرشید دوستم، معاون پیشین رئیس جمهوری (۲۰۲۰ - ۲۰۱۴۹) ۶۷ ساله، که ازبک ها را نمایندگی می کرد، ابتدا در کنار فرزندش در رسانه های اجتماعی وعده مرگ به طالبان می داد و سپس به ازبکستان گریخت.

احمد مسعود، فرزند احمدشاه مسعود، فرمانده مشهور که در فرانسه چهره ای شناخته شده است، در محافل پارسی به نظر می آید که بخواهد جای پدر را بگیرد، اما نمی تواند از بروز فاجعه در افغانستان جلوگیری کند. او که نیروهای خود را در دره پنجشیر و جدا از بقیه افغانستان گرد آورده، می گوید: «من چند سال پیش به کشور بازگشتم تا ارزش هایی که در غرب آموخته بودم را در اینجا برقرار کنم: ارزش هایی مانند حقوق بشر و دموکراسی». وارث «شیر پنجشیر» بهترین آموزش های ممکن را در لندن دیده است. اما، عده کمی از مردم افغانستان، جز در استان زادگاهش که ۱۵۰ هزار جمعیت دارد، کمترین اعتباری برای او قایلند. در حلقه اطرافیان او لاف این زده می شود که ۲۰ هزار جنگجوی آماده برای جنگ وجود دارد. داوطلبانی غیر حرفه ای با دستانی خالی که انتظار چندان از آنها نمی توان داشت.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

سیاستمداران دیگری نیز می‌کوشند برای این که از عرصه سیاسی حذف نشوند با موضع‌گیری خودی نشان دهند. ۳ تن از چهره‌های قدیمی افغانستان درصدد بهره‌گیری از موقعیت برآمده‌اند: آیا طالبان وعده یک «دولت فراگیر» را نداده است؟ این ۳ سیاستمدار فکر می‌کنند بتوانند جلوه‌هایی از گشودگی را برای جلب اعتماد «جامعه بین‌المللی» ارائه کنند که خواهان تشکیل یک دولت اتحاد ملی است. حامد کرزای، رئیس‌جمهوری پیشین (۲۰۱۴-۲۰۰۱) به سرعت پیشنهاد کرد که با اربابان جدید قدرت در کشور دیدار کند. آقای عبدالله عبدالله، که در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ مدعی پیروزی بر اشرف غنی شده بود نیز حضور دارد. او که امروز در رأس «شورای عالی آشتی ملی» قرار دارد، پیشتر کوشیده بود در مذاکرات قطر، که هیئت اعزامی توسط دونالد ترامپ با طالبان گفتگو می‌کرد، شرکت داشته باشد اما در این کار هیچ موفقیتی نیافت. سرانجام، سیاستمدار سوم گلبدین حکمتیار، رئیس حزب اسلامی افغانستان است که او نیز با اولین پرواز خود را رسانده است. حزب او، که غربی‌ها آن را تروریست می‌دانند، برای مبارزه با اشغالگران سلاح به دست گرفت و سپس در سال ۲۰۱۶ با دولت کابل صلح کرد. او که مسئول حمله دره اوزبین علیه نیروهای فرانسه در سال ۲۰۰۸ است، اکنون می‌کوشد برای خود جایگاهی دست و پا کند.

درحالی که بزرگان سرگرم نزاع برای خرده‌ریزه‌های قدرت هستند، بخشی از مردم نومیدانه در جستجوی راهی برای فرارند. فرار به هر قیمت از وحشت یک حکومت جدید طالبان. به عنوان نمونه، یک افسر نیروهای ویژه که پیش از سقوط کابل با او دیدار داشتیم، همراه با پسر ۱۲ ساله خود با این امید آمده بود که وسیله‌ای بیابد و او را نجات دهد. پسر با انگلیسی سلیس می‌گفت: «آقا، لطفاً، من می‌خواهم برای تحصیل به فرانسه بروم. اینجا دیگر هیچ‌گونه امنیتی نیست، دیگر نمی‌توانم به مدرسه بروم.»

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

برای بسیاری از مردم افغانستان، تبعید تنها راه حل است. کارکنان بلندپایه دولت یا کسانی که به ارتش های بیگانه کمک کرده اند، معتقدند که زندگی شان در خطر است و عفو اعلام شده طالبان چیزی جز یک ترفند نیست. ایالات متحده انتقال بیش از ۴ هزار مترجم، که از روایت ویژه برخوردار بودند، را تسریع کرد. بیشتر کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و هلند که در این زمینه سخاوت کمتری داشتند نیز اخراج پناهندگان افغان را به حالت تعلیق درآوردند و چند صد تن از کسانی که با آنها همکاری کرده بودند را از افغانستان خارج کردند.

کسانی که از امکانات برخوردار بودند، پیشتر کشور را ترک کردند. سیاستمداران و روسای شبه نظامیان همگی، یا تقریباً همه، خانواده خود را به خارج فرستاده اند و دیگران در حالت وحشت به سر می برند. صف کسانی که امیدوار بودند روایت ایران یا ترکیه را به دست آورند، هفته ها است که مرتب طولانی تر می شود اما خیلی دیر است.

طالبان برنده شده است. آیا این یک خبر بد برای مردم افغانستان است؟ یکی از اهالی قندهار شرح می دهد که در شهرش پس از تسلیم نیروهای دولتی مردم نفس راحتی کشیده اند: «والی منصوب از طرف طالبان از کارمندان خواسته به کار خود بازگردند. پرچم طالبان برفراز اقامتگاهش در اهتزاز است. افراد آنها مردم را اذیت نمی کنند و به نظر می آید که به طور کلی مردم راضی هستند. حتی کسانی هستند که با اشک شوق در چشم از آنها استقبال کرده اند. همه به خانه های خود برمی گردند. زندگی عادی و آرام است.» در سال ۱۹۹۵ هم، پس از آن که طالبان مجاهدین «اتحاد شمال» را از کابل بیرون راندند، صحنه هایی از این شادمانی عمومی دیده می شد. بعد، مردم فهمیدند که این امر نه به معنی پایان جنگ، بلکه آغاز یک دوره دوزخی تازه است.

مطلب ضمیمه

«لااقل آنها کمونیست نبودند»

«آژانس مرکزی اطلاعات» (CIA) پیش از مداخله نظامی اتحاد شوروی شروع به کمک به مجاهدین افغان کرد: زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری جیمی کارتر (۱۹۸۱-۱۹۷۷) این را پذیرفته است:

«بنابر روایت رسمی تاریخ، کمک CIA به مجاهدین در سال های دهه ۱۹۸۰، یعنی پس از آن که ارتش اتحاد شوروی افغانستان را در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ تسخیر کرد آغاز شده است. واقعیت، که تاکنون پنهان نگهداشته شده، چیز دیگری است: در واقع رئیس جمهوری کارتر در ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ نخستین دستورالعمل کمک مخفیانه به مخالفان نظام هوادار اتحاد شوروی در کابل را صادر کرد. در آن روز، من یادداشتی برای رئیس جمهوری فرستادم که در آن به او توضیح دادم که این کمک به مداخله نظامی اتحاد شوروی منجر

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

خواهد شد. (...) ما روسیه را به دخالت نظامی و انداشتیم، اما به مقداری زیاد بر احتمال این که این کار را انجام دهد افزودیم».

با این حال، هنگامی که اتحاد شوروی دخالت نظامی خود را با «مداخله محرمانه ایالات متحده» توجیه کرد کسی آن را باور نکرد. آیا درمورد آن کمک دچار تأسف شدید؟

«تأسف برای چه؟ این عملیات محرمانه ایده ای فوق العاده و اثر آن کشیدن روس ها به تله افغانستان بود. آیا شما می خواهید که من از این بابت ابراز تأسف کنم؟ روزی که اتحاد شوروی به طور رسمی از مرزهای افغانستان وارد این کشور شد، من به طور خلاصه برای رئیس جمهوری کارتر نوشتم "اکنون ما از این موقعیت برخورداریم که جنگی مانند جنگ ویتنام به اتحاد شوروی بدهیم". درواقع، مسکو ناگزیر شد که به مدت ۱۰ سال درجنگی غیرقابل تحمل برای نظام اتحاد شوروی درگیر شود. جنگی که موجب تضعیف روحیه و سرانجام فروپاشی امپراتوری شوروی شد».

آیا از این نیز تأسف نمی خورید که به بنیادگرایی اسلامی میدان و به تروریست های آینده اسلحه و مشاوره دادید؟

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

«از دید تاریخ جهان کدام مهم تر است؟ طالبان یا سقوط امپراتوری شوروی؟ چند اسلام گرای هیجان زده یا پایان جنگ سرد؟».

مصاحبه با نوول ابزروتور، ۲۱-۱۵ ژانویه ۱۹۹۸.

۱- بسیاری از افغانها نام خانوادگی ندارند. کسانی که مجبور بودند نام خانوادگی انتخاب کنند معمولاً نام پدر و یا نام کوچک خود را انتخاب می کردند و دو نام پشت سر هم داشتند.

-۲

Lindsay Maizland, « [The Taliban in Afghanistan](#) », Council on Foreign Relations, New York, 3 août 2021.

-۳

Lynne O'Donnell, « [What went wrong with Afghanistan's defense forces ?](#) », *Foreign Policy*, Washington, DC, 11 août 2021.

« [The military balance 2021](#) », International Institute for Strategic Studies,
Londres, 25 février 2021.

۵- این شامل مجلس مردم (۲۵۰ نفر به مدت پنج سال با رای عمومی انتخاب می شوند) و مجلس بزرگان (۱۰۲ عضو برای یک دوره چهار ساله ، دو سوم آنها توسط شوراهای استان انتخاب می شوند و یک سوم توسط رئیس جمهور منتصب می شود).